

بررسی مبانی فقهی جرم پول‌شویی

حمید سلیمانی* - عبدالکریم عبدالهی نژاد**

چکیده

پول‌شویی یا تطهیر پول مجموع عملیاتی است که موجب می‌شود جلوه‌های مشروع و قانونی به اموال نامشروع و غیرقانونی داده شود و این پدیده یکی از جرائم سازمان یافته فراملی است که دارای آثار و عوارض زیان‌باری در سطح بین‌المللی و داخلی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌باشد و به همین خاطر بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون وین و پالرمو به جرم‌انگاری و مبارزه با آن تأکید کرده‌اند و در حقوق داخلی هم به موجب قانون مبارزه با پول‌شویی به عنوان جرم شناخته شده است. از منظر فقه هم آیات، روایات و قواعد فقهی‌ای وجود دارد که مستند تحریم و جرم‌انگاری این پدیده است؛ که این نوشتار، به بیان این دلایل فقهی به‌طور دقیق پرداخته است؛ همچنین رابطه پول‌شویی با خمس مال حلال مخلوط به حرام و تعارض جرم‌انگاری پول‌شویی با بعضی اصول و قواعد فقهی مهمی از جمله ید، تسلیط و سوق که گروهی قائل هستند مورد اشاره و بررسی واقع شده است. بنابراین تحقیق حاضر، مبانی فقهی پول‌شویی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و حرمت آن نتیجه گرفته شده است.

کلیدواژه: پول‌شویی، فقه، اکل مال به باطل، قواعد فقهی، حرمت

* کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد، عهده‌دار مکاتبات s.soleymani14@gmail.com

** دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ وصول: ۸۹/۱۱/۲۵ - پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۲۹

مقدمه

پول‌شویی پدیده‌ی نوپیدا و جدیدی است که به تازگی از حقوق بین‌الملل وارد حقوق داخلی شده است. و عملاً پول‌شویی از دهه‌ی ۱۹۸۰م و اساساً در مورد قاچاق مواد مخدر جلب توجه کرده است. (www.laundryman.u-net.com).
 بعضی آورده‌اند که اصطلاح پول‌شویی، ریشه در مالکیت مافیا در ایالات متحده آمریکا دارد. (حقوق جزای بین‌الملل/۳۳۳).

پول‌شویی معمولاً دارای سه مرحله است. مرحله‌ی استقرار یا مکان‌یابی^۱، مرحله‌ی تبدیل یا لایه‌سازی^۲ و مرحله‌ی ادغام یا یک‌پارچه‌سازی^۳. در مرحله‌ی استقرار وجوه حاصله، وارد سیستم مالی می‌شود و یا به خارج از کشور انتقال می‌یابد تا در دسترس نباشد و امکان کشف از بین برود و سپس در فرصت‌های بعدی، آن‌ها را به اموال دیگری مثل چک‌های مسافرتی، حوالجات و غیره تبدیل کنند. (جنایت سازمان یافته فراملی / ۷۶).
 این مرحله از دیدگاه پول‌شویان خطرناک‌ترین مرحله است؛ زیرا امکان کشف و ردیابی در این مرحله بسیار زیاد است. (بوریگان/«بزهکاری سازمان یافته درحقوق کیفری فرانسه» / ۳۲۵).

به مرحله‌ی لایه‌سازی، مرحله‌ی «جذب» هم گفته می‌شود. در این مرحله، سعی می‌شود با ایجاد معاملات بانکی مختلف یا نقل و انتقالات مالی، هویت واقعی و اصلی اموال، پنهان و مخفی شود.

آخرین مرحله‌ی فرآیند پول‌شویی، «ادغام یا یک‌پارچه‌سازی» است. در این مرحله درآمد و عواید غیرقانونی در سیستم مالی مشروع، ادغام می‌شود و ظاهری همچون دیگر اموال مشروع به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، این مرحله مشتمل بر دادن جلوه‌ای مشروع و قانونی به ثروت و پول‌های با منشأ نامشروع است.

پدیده‌ی پول‌شویی آثار زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل توجهی برای جوامع به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به اختلال و بی‌ثباتی در اقتصاد، تضعیف بخش خصوصی، کاهش درآمد دولت، ایجاد موانع برای خصوصی‌سازی، کاهش کنترل دولت بر سیاست اقتصادی، پدیده‌ای برای انجام جرائم مهم و عمده‌ی دیگر، دارای خطرات و

1-Placement Stage

2-Layering Stage

3-Integration Stage

هزینه‌های اجتماعی از جمله تدوین و اجرای قانون، هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و درمان (معالجه‌ی معتادان)، تأثیر بر سلامت اخلاقی جامعه، انتقال قدرت اقتصادی از دولت و مردم به پول‌شویان، رخنه کردن پول‌شویان در ساختار حکومتی و باعث ایجاد قدرت برای پول‌شویان در کشور اشاره کرد. (ر.ک: باقرزاده/«پیامدهای پول شویی و راهبردهای کنترلی با رویکرد به اسناد بین‌المللی»/ ۲۳۸-۲۳۷؛ هادیان/«پول شویی و اثرات اقتصادی آن»/ ۱۴۳؛ محمودی/ «پدیده پول شویی و راه‌های مبارزه با آن»/ ۱۵۹).

پدیده‌ی پول شویی در حقوق داخلی به موجب «قانون مبارزه با پول شویی» در بهمن‌ماه ۱۳۸۶ به عنوان جرم قلمداد شد و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. مقاله‌ی حاضر ضمن بیان تعاریف پول شویی از دیدگاه حقوق دانان و محققان و در اسناد بین‌المللی، به ذکر برخی مبانی فقهی جرم‌انگاری پول شویی می‌پردازد.

مفهوم پول شویی

پول شویی یا تطهیر پول معادل فارسی اصطلاح انگلیسی موسوم به «Money laundering» است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که با توجه مجرمانه و پلید بودن عملیات مورد نظر و متقابلاً بار مثبت ادبی «تطهیر»، استعمال این لفظ در پدیده‌ی فوق چندان مناسب نمی‌باشد. چون تطهیر به معنای «پاک کردن» است و دارای بار مثبت ادبی است در حالی که پدیده‌ی مجرمانه باید به‌گونه‌ای تعبیر شود که این بار را نداشته باشد؛ به عبارت دیگر این محقق معتقد است «تطهیر پول» معادل فارسی مناسبی برای اصطلاح انگلیسی «Money laundering» نیست. (شمس ناتری/«سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکرد به اسناد بین‌المللی»/ ۱۱۹). پول شویی از دیدگاه محققان و در اسناد بین‌المللی به تعبیرات گوناگون زیر، تعریف شده است: «منظور از تطهیر مال، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آن‌ها به اموال پاک است، به طوری که یافتن منبع اصلی مال غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد.» (حقوق جزای بین الملل/ ۳۳۲). «پول شویی عبارت است از کلیه عملیات اقتصادی که بر روی پول مشکوک انجام می‌گیرد تا به صورت قانونی درآید.» (زیان های ناشی از تطهیر پول/ ۸۲). گروه کاری اقدام مالی برای مبارزه با پول شویی موسوم به «فتف»^۱، پول شویی را به شرح ذیل تعریف می‌کند:

1-FATF(Financial Action Task Force on Money laundering)

- «تحصیل، تملک، نگهداری، تصرف یا استفاده از درآمدهای حاصل از جرم با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

- تبدیل، مبادله یا انتقال درآمدهای حاصل از جرم به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

- اخفا، پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت درآمدهای حاصل از جرم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی جرم تحصیل شده است.» (جزایری/ «پول شویی و موسسات مالی»/ ۶۳).

در حقوق داخلی به موجب ماده‌ی دو «قانون مبارزه با پول شویی»:

«جرم پول شویی عبارت است از:

الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب- تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.

ج- اخفا یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی جرم تحصیل شده باشد.»

از مجموع تعاریفی که گفته شد می‌توان پول شویی را چنین تعریف کرد: «هر عملی که موجب مخفی و تغییر ظاهر دادن عواید حاصل از جرم شود، به طوری که این عواید جلوه‌ای قانونی و مشروع به خود بگیرند.»

مستندات فقهی جرم پول شویی

در این مبحث به بررسی مبانی فقهی جرم پول شویی می‌پردازیم. برای مبانی فقهی جرم‌انگاری پول شویی می‌توان به آیات، روایات و قواعد فقهی اشاره کرد:

۱- آیات

در این قسمت به دو دسته از آیات، در مورد جرم‌انگاری پول شویی می‌پردازیم؛ آیاتی که دلالت بر حرمت «اکل مال به باطل» می‌کند و دوم آیاتی که دال بر حرمت «اکل سحت» است.

حرمت اکل مال به باطل

یکی از ادله‌ی اساسی جرم‌انگاری پول‌شویی، حرمت اکل مال به باطل است. قاعده‌ی «حرمت اکل مال به باطل» متخذ از آیه‌ی شریفه‌ی (لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل) (بقره/۱۸۸) است. این قسمت از آیه‌ی شریفه، شبیه قسمت اول آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء^۱ است. آیات دیگری هم با همین شباهت وجود دارد؛ ولی ما به همین دو آیه بسنده می‌کنیم. در آیات فوق سه واژه‌ی «اکل»، «مال» و «باطل» در موضوع بحث ما نقش کلیدی دارد که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

الف) مفردات آیه

۱- واژه‌ی اکل

در مورد واژه‌ی اکل، صاحب تفسیرالمیزان می‌نویسد: «منظور از اکل، گرفتن یا مطلق تصرفات است و کاربرد آن در این معنا مجازی است و به خاطر این است که خوردن، ابتدایی‌ترین افعال طبیعی انسان است و اولین تصرفی را که انسان از روی شعور انجام می‌دهد، همین خوردن است و اکل در غیر از لغت عربی هم گرفتن و تصرف کردن معنا می‌دهد.» (المیزان فی تفسیر القرآن/۵۱/۲).

و بعضی در معنای واژه‌ی اکل می‌نویسند: «منظور از اکل، خوردن و فرو دادن لقمه و یا مطلق خوردن نیست که معنای لغوی این کلمه است. مقصود بر حسب آنچه مفسران گفته‌اند مطلق تصرف است نه خصوص خوردن. به نظر این‌جانب مقصود خصوص تصرف حقیقی هم نیست بلکه معنایی مورد نظر است که شامل تصرفات اعتباری یعنی تملک و تصاحب هم می‌شود.» (آیات الاحکام/۲۴).

بنابراین می‌توان گفت: واژه‌ی اکل به معنای تصرف و انتفاع و استفاده در محاورات عرفی است. و یک معنای اعمی است و بسیاری از مفسران به خاطر وضوح معنای آن از شرح و تفسیر این واژه خوداری کرده‌اند و به همان معنای عرفی در درک این لغت اکتفا کرده‌اند. (تفسیر نمونه/۳/۳۵۵).

۲- واژه‌ی مال

لغت «مال»، جمع آن اموال است که دارای معنا و مفهوم روشنی است و به همین دلیل کم‌تر مورد توجه و توصیف مفسران قرار گرفته است. بعضی از مفسران معنای آن را معلوم و واضح دانسته‌اند. (ر.ک: مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن /۱/۳۳۸).

۱- یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل.

علامه طباطبایی، در تفسیر *المیزان* خود در مورد واژه‌ی «مال» می‌نویسد: «مال عبارت از ملکی است که طبعاً مورد رغبت و میل باشد و گویا اصلاً از «میل» گرفته شده، به‌خاطر این‌که دل‌ها به آن مایل است.» (المیزان فی تفسیر القرآن / ۵۲/۲ - ۵۱).

محقق بجنوردی مال را به سه قسم تقسیم کرده است؛ قسم اول اعیان و جواهر، قسم دوم عوارض یا منافع و قسم سوم اموال اعتباری نظیر اوراق و اسناد مالی. همچنین ایشان، تمام چیزهایی که حوائج و امور زندگی انسان به‌وسیله‌ی آن برطرف می‌شود یا می‌تواند وسیله‌ی تحصیل آن امور قرار گیرد، را به عنوان مال شمرده است. (القواعد الفقہیہ / ۳۰/۲ - ۲۹).

بنابراین با توجه به روشنی معنای مال، این واژه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و به نظر، اکثر عین یا منافع را شامل می‌شود.

۳- واژه‌ی باطل

در مورد واژه‌ی باطل گفته شده است: «هر چیزی که حق نباشد باطل خواهد بود.» (لسان العرب / ۱۱/۵۶).

باطل از ریشه‌ی بطل به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است. (مجمع‌البحرین، ۱/۲۱۲). امین‌الاسلام طبرسی هم می‌نویسد: «باطل چیزی است که از بین می‌رود.» (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن / ۲/۲۴).

ب) تفسیر آیات

در این قسمت به بحث تفسیری آیات اکل مال به باطل از دیدگاه مفسران شیعه و سنی می‌پردازیم.

شیخ طوسی در ذیل آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره در مورد اکل مال دو معنا ذکر می‌کند: «یکی تملک کردن اموال دیگران بر حسب ظلم و تعدی مثل خیانت و سرقت و غصب ... و دوم این‌که اموالی که از راه غیر مشروع می‌باشد مثل قمار و... مثل این‌ها که همه‌ی آن‌ها از جمله اکل مال باطل است.» (التبیان فی تفسیر القرآن / ۲/۱۳۸).

بنابراین ایشان در تفسیر آیه‌ی شریفه، در واقع مصادیق مهم اکل مال به باطل را بیان کرده که یکی تصرف و تصاحب اموال دیگران از راه ظلم و تعدی مانند سرقت، غصب، خیانت ... و دیگر تملک از راه غیر مشروع مثل انتقال از راه قمار... .

فیض کاشانی نیز در تفسیر آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره، هم تصرفات و تملکات از طریق باطل را در زمره‌ی امور غیر محلل و غیر مشروع قرار می‌دهد. همچنین پس از ذکر روایاتی

درباره‌ی مصادیق باطل می‌نویسد: «آیه، همه را در می‌گیرد و میان اخبار تنافی وجود ندارد.» (تفسیرالصافی/۱/۲۲۶).

صاحب تفسیر المیزان در توضیح آیه‌ی شریفه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره آورده که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در بر می‌گیرد و ذکر قمار و امثال آن‌ها (ربا، رشوه،...) در بسیاری از روایات از باب انحصار نیست بلکه در حقیقت از باب بیان مصادق است. بنابراین آیه‌ی بیان‌گر آن است که هر تصرف، یا دارا شدنی که مطابق با شرع نبوده و از طریق اسباب غیرقانونی حاصل شود، باطل و غیرحق است. (المیزان فی تفسیر القرآن / ۲ / ۵۲).

شیخ طبرسی در ذیل آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره بعد از بیان وجوه و احتمالاتی نظیر رباخوری، رشوه‌گیری، غصب و تصرفات عدوانی، مبادلات غیرمشروع و فاسد و غیره در مورد معنا و مفهوم باطل، می‌نویسد: «بهتر است که باطل را حمل بر همه آن وجوه کنیم زیرا آیه عمومیت دارد و همه را شامل می‌شود.» (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن/۲/۲۵).
جصاص صاحب تفسیر احکام القرآن در تفسیر آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی شریفه‌ی بقره، انواع اکل به باطل را بیان می‌کند و هر آن‌چه را که تملک‌ش جایز نیست (اسباب غیرمشروع) هر چند صاحب مال خود به این انتقال رضایت بدهد را به‌عنوان اکل مال به باطل می‌داند. (احکام القرآن/۱/۳۰۴).

صاحب جامع‌البیان در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء مواردی همچون قمار و ربا و به‌طور کلی آن‌چه را شارع از آن نهی کرده را در زمره‌ی باطل می‌داند. و می‌گوید که خداوند با بیان این آیه درصدد بیان این موضوع است که شما مسلمانان نباید اموال دیگران را به باطل بخورید. (طبری / ۴۳/۵-۴۲) در ذیل آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره هم می‌نویسد: «اَکَلُ بِهٖ بَاطِلٌ» اکل به باطل که وجهی که شارع مباح نموده است. (جامع‌البیان عن تأویل ای القرآن / ۲/۲۵۱). شانه‌چی در تفسیر آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء تمام تصرفات و تملکات نامشروع خواه به واسطه‌ی غصب و سرقت یا در نتیجه معامله‌ی فاسد یا ربا و غیره باشد، جزء باطل می‌داند. (آیات الأحکام / ۱۶۸).

حاصل معنا و تفاسیر

با توجه به مباحث لغوی و تفاسیری که در مورد اکل مال به باطل گفته شد درمی‌یابیم که اولاً منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است. ثانیاً منظور از مال هر

چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل می‌شود. ثالثاً منظور از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دروغ و غیره می‌باشد. از نظر اسلام هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد، و هرچه که غیر از این باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و «باطل» به عمومیت و اطلاقش، همه را شامل می‌شود، حتی مطابق آن چه برخی گفته‌اند، گستردگی معنای باطل نیز همین معنا را اقتضا می‌کند. نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب؛ بلکه صرف و خرج کردن آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است. و از طرفی در جامعه‌ی اسلامی، هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع بایستی با معیارهای صحیح و مشروع، انجام پذیرد. (اسماعیلی/«اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری (ره)»/۱۲۹).

بنابراین باطل محدود و منحصر به موارد خاصی نیست بلکه مفهومی گسترده و عام دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و حتی تصرف‌های ناروا و غیرمشروع در اموال خویش و نیز هرچه که غیر حق باشد، باطل شمرده می‌شود. نتیجه، باطل بر تمام عواید نامشروع و هر تصرف غیر حقی اطلاق دارد.

اما نکته‌ای که در مورد موضوع بحث مهم و باید روشن شود، ضابطه و ملاک باطل در اکل مال به باطل است. با نگاه و جست‌وجو در کلام فقها دو نوع باطل وجود دارد: (۱) باطل واقعی یا شرعی (۲) باطل عرفی یا عقلایی.

باطل واقعی یا شرعی: به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام، و به بطلان آن‌ها تصریح شده باشد، باطل واقعی یا شرعی گفته می‌شود مثل رشوه، سرقت، قمار، غصب و غیره.

باطل عرفی یا عقلی: به تمام چیزهایی که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد، باطل عرفی نامیده می‌شود. بنابراین با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی باید دید منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل، کدام است؟

در این مورد بین فقها اختلاف نظر است. صاحب کنزالعرفان در ذیل آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء، آورده که باطل شامل هر آنچه می‌شود که شارع آن را مباح نکرده است از جمله، غصب، سرقت، خیانت و عقود فاسد. (کنزالعرفان فی فقه القرآن/۱/۳۳). بنابراین ایشان معتقد به باطل شرعی هستند. صاحب مصباح‌الفقاهه هم قائل باطل واقعی و شرعی است. به

تعبیر دیگر، ایشان قائلند که هرچه در شرع و به‌موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است. (ر.ک: مصباح الفقاهه ۲/ ۱۴۱).

ولی بعضی از فقها قائلند، در جایی که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری از شرع مقدس نصی نباشد و یا مصادیقی نباشد، تشخیص و فهم باطل به عرف واگذارده می‌شود. صاحب انوار الفقاهه، بعد از بیان کلیت و عمومیت باطل می‌نویسد: «بالجمله، المراد بالایه النهی عن اكل المال بكل ما يعد باطلاً عرفاً كالغصب و الرشا والتطيف و غیرها.» (انوار الفقاهه/۹۳).

بنابراین اساس استدلال ایشان بر عرفی بودن باطل استوار است. و در نقد کسانی که قائل به باطل شرعی هستند، گفته است که اگر مراد از باطل، باطل واقعی (شرعی) باشد، فایده‌ی آیه‌ی حرمت اکل مال به باطل فی ذاته به چند مورد که در شرع بیان شده محدود و منحصر می‌شود و در نتیجه بسیاری از موارد باطل را در بر نمی‌گیرد. حال آن‌که همان‌طور که گفتیم باطل دارای معنا و مفهوم عام و وسیعی است که به مصادیق خاصی محدود نمی‌شود. (انوار الفقاهه/۹۳).

شیخ انصاری هم در بسیاری مسائل، ملاک باطل را عرف می‌داند. (ر.ک: کتاب البیع / ۲۰/۵).

اما نکته‌ای که لازم به ذکر است، این‌که تشخیص باطل و فهم باطل زمانی به عرف واگذار می‌شود، که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری، از ناحیه‌ی شرع، نصی در دست نداشته باشیم و یا مصادیق یا موارد آن بیان نشده باشد؛ زیرا اگر بطلان یا عدم بطلان امری از ناحیه‌ی شرع، مسلم باشد، دیگر جای بحث نیست، چه عرف آن را باطل بداند یا نداند. فهم عرف در صورتی کارساز است که شرع، نسبت به آن ساکت باشد.

البته در مواردی که بین فهم عرف و فهم شرع از باطل، تعارض وجود داشته باشد، فهم شرع مقدم است. نکته دیگر این‌که نقش زمان و مکان در تشخیص باطل بسیار حائز اهمیت است. لذا نمی‌توان فقط مواردی را که مفسران و فقها به‌عنوان مصادیق باطل برشمرده‌اند، منحصرأً به‌عنوان مصادیق باطل بیان کرد؛ زیرا با دگرگونی شرایط زمان و مکان، امکان دارد شکل‌های دیگری از باطل، رخ نماید و مصادیق روشن باطل باشد. (اسماعیلی / «اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری»/ ۱۳۶-۱۳۴).

از مجموع مطالب گفته شده فهمیده می‌شود در جایی که نصی در مورد بطلان یا عدم بطلان امری در شرع یا مصادیقی از آن بیان نشده، فهم عرف و عقل در مورد تشخیص باطل ملاک و مناط می‌باشد؛ زیرا امروزه، با پیش‌رفت صنعت و دگرگونی جوامع و مقتضیات

زمان و مکان موارد باطلی ایجاد و حاصل شده که در صدر اسلام وجود نداشته ولی این موارد بر اساس عرف و عقل جزء باطل می‌باشد؛ به تعبیر دیگر با توجه به عمومیت و گستردگی باطل، تمام این موارد زیرمجموعه‌ی باطل عرفی یا عقلی قرار می‌گیرند و مشمول اکل مال به باطل واقع می‌شوند.

ج- تطبیق موضوع

بنابراین با توجه به توضیحات گفته شده، در جهت ارتباط با موضوع بحث، باید گفت از یک سو همان‌طور که بیان شد، باطل دارای معنا و مفهوم عام و گسترده‌ای داشته و با مصادیق خاصی منحصر نیست و از طرف دیگر با توجه به ماهیت پول‌شویی که جلوه‌ای مشروع و قانونی به اموال نامشروع می‌دهد و از لحاظ عرف و عقل چنین عملیاتی باطل و من غیر حق می‌باشد. از این روی عملیات پول‌شویی به‌عنوان یکی از مصادیق قاعده‌ی اکل مال به باطل عرفی و عقلی قرار می‌گیرد. (حیدری/«جرم انگاری پول‌شویی»/۱۴۶). بنابراین بر اساس آیات حرمت «اکل مال به باطل»، عملیات پول‌شویی حرام و نامشروع می‌باشد. آیه‌ی اکل سُخْت (اَكْلُ الْوَلَدِ لِلْوَالِدِ) (مائده / ۴۲). «مال حرام را فراوان می‌خورند.» از آیاتی که می‌توان در آن به اثبات حرمت و غیر مشروع بودن پول‌شویی استفاده کرد؛ آیه‌ی حرام‌خوری است؛ که تعبیر به «اکل سحت» می‌شود. برای ارتباط آیه‌ی اکل سحت با مقوله‌ی پول‌شویی، باید معنا و تفسیر سحت مشخص شود.

الف- معنا و تفسیر سُخْت

صاحب مجمع‌البحرین آورده‌اند، هر چیزی که کسب کردن از آن حلال نباشد یعنی مکاسب محرمة سحت گفته می‌شود و اصل معنای آن نابودی و هلاکت است. و قول دیگر این‌که، حرام مروت و مردانگی را از انسان سلب می‌کند، به آن سحت گفته می‌شود. (مجمع‌البحرین/۱۱۹/۱۲).

صاحب مجمع‌البیان گفته است که اصل سحت به معنای استیصال و هلاکت است. (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن/۳/۳۳۸).

صاحب کنز‌العرفان در تفسیر سُخْت می‌نویسد: «حاصل تفسیر سحت این است که هر چیزی که کسب آن حلال نباشد سحت است.» (کنز‌العرفان فی فقه القرآن / ۱۷).

در فقه القرآن راوندی درباره‌ی سُخت، با اشاره به موارد متعدد سحت در روایات می‌نویسد: «عموم آیه بر همه‌ی آن‌ها دلالت دارد.» (فقه القرآن/۲/۲۷). به عبارت دیگر، ایشان قائلند که سحت معنای عام و گسترده‌ای دارد.

قرطبی درباره‌ی سحت آورده که در لغت به معنای استیصال و هلاکت است. و هر چیزی که حرام باشد و دین را از بین می‌برد سحت گفته می‌شود. (الجامع لاحکام القرآن / ۶ / ۱۸۴).

بنابراین با نظر به مجموع تفاسیری که در مورد سحت گفته شد به دست می‌آید که سحت معنا و مفهوم عام دارد و به مصداق یا مصادیقی خاصی اختصاص ندارد و هر نوع عواید و درآمد نامشروع و حرام را شامل می‌شود. به عبارت دیگر سحت همچون باطل در «اکل مال به باطل» عمومیت دارد اموالی که انسان به ناحق و از راه‌های حرام و نامشروع و باطل به دست می‌آورد سحت است و در حقیقت، سحت برکت و حیات و سلامت اجتماعی را از بین می‌برد و باعث رکود و سکون می‌شود در باطل نیز همین تعریف است بنابراین اگرچه «سحت» و «باطل» از نظر لغوی با هم تفاوت دارند ولی در بسیاری جهات مشترک می‌باشند و معنای اکل سحت مترادف با اکل مال به باطل است. (اسماعیلی/«اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری»/۱۳۷).

ب- تطبیق موضوع

مع الوصف در ارتباط با پدیده‌ی پول‌شویی که منجر به مخفی یا تغییر ظاهر دادن عواید و ثروت‌های نامشروع و غیرقانونی می‌شود به نظر می‌رسد یکی از مصادیق روشن اکل سُخت است زیرا اولاً واضح و ملموس است که عواید و درآمدهای پول‌شویی، نوعی حرام‌خوری و کسبی نامشروع است و مشمول سحت قرار می‌گیرد. ثانیاً با توجه به مترادف بودن «سحت» و «اکل» و اشتراک «اکل سحت» و «اکل مال به باطل» عملیات پول‌شویی از مصادیق اکل سحت محسوب می‌شود.

۲- روایات

پس از آیات، روایات به‌عنوان دومین منبع استنباط احکام بر بطلان عملیات پول‌شویی حکم می‌کند. از این روی هرچند که این موضوع در ادبیات حقوقی کشور و فقه

اسلام، تازه و جدید است؛ اما روایات هم به نوعی عنایت خاصی به بطلان چنین فعالیت‌هایی دارد. بنابراین در ذیل به این روایات می‌پردازیم:

حدیث اول: خطبه‌ی حضرت علی (ع) الف- معنا و تفسیر

یکی از مبانی فقهی جرم‌انگاری پول‌شویی یا تطهیر پول سیره‌ی امام علی (ع) است. امام در بخش اول خطبه‌ی ۱۵ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته»، «سوگند به خدا اگر آن املاک (غارت شده بیت‌المال) را پیدا کنم به مسلمانان برمی‌گردانم اگرچه مهریه‌ی زنان قرار گرفته باشد و کنیزها با آن‌ها خریداری شده باشد.» (ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه/۳/۲۴۹).

این کلام معصوم (ع) در واقع بخشی از خطبه‌ای است که بعد از بیعت مردم با آن حضرت در مدینه می‌باشد و در آن به تمام کسانی که در زمان و عصر عثمان اموال بیت‌المال را غصب یا توسط خلیفه بخشیده شده بود هشدار می‌دهد و به آن‌ها اعلام می‌کند که باید تمام این اموال بازگردانده شود و در صورت برنگرداندن با زور از آن‌ها خواهد گرفت. (پیام امام/۱/۵۲۶).

در تفسیر این بخش از خطبه، ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «ان علیا علیه السلام خطب فی الیوم الثانی من بیعته بالمدینه، فقال: الا ان کل قطیعه اقطعها عثمان و کل مال اعطاه من مال الله فهو مردود فی بیت المال فان الحق القدیم لایبطله شی و لو وجدته و قد تزوج به النساء و فرق فی البلدان لرددته»، «علی(ع) در روز دوم از بیعتی که در مدینه انجام گرفت خطبه‌ای گفت و فرمود: آگاه باشید به درستی همه‌ی زمین‌هایی که عثمان بخشیده و هر مالی که از مال خدا را (غیرقانونی و ناحق) اعطا کرده همه باید به بیت‌المال برگردد چون هیچ چیزی حق گذشته را باطل نمی‌کند و اگر آن اموال (نامشروع) را پیدا کنم ولو به‌عنوان صدق زنان قرار گرفته باشد و در شهرها پراکنده شده باشد به حالت اولیه و اصلی خود برمی‌گردانم.» (شرح نهج‌البلاغه/۱/۲۶۹).

مکارم شیرازی در تفسیر این قسمت آورده که امام علی(ع) در کلام خود تصمیم قاطع خود را برای بازگرداندن اموالی که به ظلم از بیت‌المال گرفته شده است بیان می‌دارد تا آن‌جا که اگر این اموال را در مصارف حساس و خاصی که مربوط به زندگی خانوادگی افراد

است صرف شده باشد باز هم باید به بیت‌المال برگردد تا مردم بدانند آنچه قبلاً عمل شده قانون اسلام نبوده. (پیام امام/۱/۵۲۷).

با تفاسیر گفته شده فهمیده می‌شود که همه‌ی اموال و مالکیت‌های با مبانی غیرمشروع و غیرقانونی با طی فرایندی به شکل و ظاهری مشروع در بیابند مثلاً به‌عنوان صداق و کابینه زنان قرار بگیرد اساساً نامشروع و باطل هستند. بنابراین بر اساس کلام مولی یک قاعده‌ی مهم به‌دست می‌آید و آن این‌که تصرفات و درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرمشروع (کلاهبرداری، اختلاس، سرقت و...) ولو با ظاهر و جلوه‌ای مشروع باطل و باید این اموال بازگردانده شود.

ب- تطبیق موضوع

تطبیق این مطلب با موضوع پول‌شویی بدین صورت است که «اگر تصاحب و تملک ناحق اموال بیت‌المال را به‌عنوان جرم مقدم در نظر بگیریم، به جریان انداختن این اموال نامشروع در کانال‌های مشروعی مثل قرار دادن آن‌ها به‌عنوان کابین و مهر زنان و اعمال دیگر، مصداق بارز و آشکار تطهیر و شست‌و‌شوی درآمدهای نامشروع است.» (حیدری/جرم انگاری پول‌شویی/۱۵۰). به تعبیر دیگر، پدیده‌ی پول‌شویی که به‌موجب قانونی و مشروع جلوه دادن عواید نامشروع خود صورت می‌گیرد از جمله مصادیق آشکار و بدیهی کلام مولی قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به کلام امام علی (ع)، عملیات پول‌شویی هرچند که در کانال‌های مشروعی به‌کار گرفته شود، حرام و باطل است.

حدیث دوم

«از امام سجاد (ع) سؤال شد: مردی، زمینی یا خدمت‌کاری را از فردی با مالی که از راه، راهزنی یا دزدی به‌دست آورده است، می‌خرد، آیا بر این فرد حلال است که از ثمره‌ی این زمین یا استمتاع از خدمت‌کاری که از پول و دارایی که از راهزنی، کسب کرده است بهره‌مند شود؟ امام (ع) این‌گونه برای او نوشتند: هیچ‌خیری در چیزی که اصل و منشأ آن حرام باشد نیست و استعمال آن نیز حلال نمی‌شود.» (الکافی/۵/۱۲۵).

اگرچه این حدیث در مورد اموالی که منشأ آن راهزنی و دزدی است، وارد شده است؛ اما قسمت آخر حدیث که امام (ع) می‌فرماید: «لاخیر فی شیء اصله حرام ولا یحل استعماله» دارای اطلاق است و شامل هر مالی که منشأ نامشروع و غیرقانونی دارد، می‌شود. بنابراین اگر این اموال نامشروع استفاده یا تبدیل یا تغییر داده شود موجب مشروعیت آن نمی‌شود و

هرگونه استعمال و استفاده از آن حرام می باشد. در نتیجه دلالت این حدیث بر بطلان عملیات پول شویی (استفاده، تبدیل و...) روشن و واضح است؛ و درآمدی که از این طریق کسب می شود، حرام و غیرمشروع می باشد.

حدیث سوم

در کتاب «دعائم الاسلام» از امام صادق (ع) نقل شده است که گفته اند خرید و فروش هایی حلال است از خوردنی ها و آشامیدنی ها و غیر آن، که قوام مردم و حیات شان به مصرف آن ها بستگی دارد و صلاح و مباح است که از آن ها برخوردار شوند. آن گاه می فرمایند: «و ما کان مُحَرَّمًا أَصْلُهُ مِنْهُیَّ عَنْهُ لَمْ یَجْزُ بَیْعُهُ وَ لَا شِرَائُهُ» (دعائم الاسلام/ ۱۹/۲). یعنی «آن چه را که اسلام اصلش را حرام کرده و نهی کرده، خرید و فروش آن ها هم جایز نیست».

تطبیق موضوع

در ارتباط با موضوع جرم انگاری پول شویی قسمت آخر حدیث مهم و کاربرد دارد. بر اساس قسمت آخر حدیث استنباط می شود که این کلام، یک کلام عام و گسترده ای است و این را می رساند که تمام خرید و فروش ها، استفاده و حتی مبادلات و انتقالات بر چیزی که اصل آن حرام می باشد، جایز نیست و حرام است. با توجه به این که پول شویی از جرائم اصلی تشکیل می شود و عملیات پول شویی اعم از انتقال، مبادله، تملک، تحصیل و غیره بر روی این اموال صورت می گیرد تا ظاهری مشروع به این اموال حاصل از جرم بدهد؛ به نظر می رسد با این اوصاف، حدیث بعضی از اجزای جرم پول شویی از جمله تملک، تحصیل، انتقال و استفاده را شامل می شود و پول شویی را حرام می داند.

نتیجه این که بر اساس این حدیث می توان بعضی از اجزای پول شویی را حرام قلم داد کرد.

۳- قواعد فقهی

از جمله ادله ی فقهی جرم انگاری پول شویی، قواعد فقهی چون قاعده ی لاضرر، حفظ نظام و مصالح جامعه می باشد؛ که به هر یک جداگانه می پردازیم.

۱-۳- قاعده‌ی لاضرر

یک از قواعد مهم و اساسی که کاربردهای زیادی در مسایل فقهی و حقوقی دارد، قاعده‌ی لاضرر است. مدرکات این قاعده آیات، روایات و عقل می‌باشد.^۱ در ابتدا لازم است برای روشنی بحث معنای ضرر، مشخص شود.

بعضی ضرر را به معنای ضد نفع معنا کرده‌اند. (مجمع‌البحرین/۱۵/۳). و بعضی در تعریف ضرر گفته‌اند که ضرر اسم مصدر است که معنایش نقص و خسران است، که ضد منفعت و زیادت می‌باشد. (القواعد مئه قاعده فقهیه/۲۴۴).

ضرار مصدر باب مفاعله است و در این صورت که مفاعله از دو طرف است؛ بنابراین معنایش ضرر رساندن به غیر می‌باشد. در مقابل ضرر که ضرر رساندن بر خود است. (القواعد الفقهیه/۲۱۴/۱).

اما در مورد مفاد قاعده‌ی لاضرر، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی گفته شده است که بررسی همه آنها از حوصله‌ی این مقاله خارج است.^۲ ولی از مجموع این نظرات می‌توان استنباط کرد که ضرر و زیان در اسلام غیر مشروع و مذموم قلمداد شده است.

۱-۱-۳- تطبیق موضوع

برای تطبیق قاعده‌ی لاضرر با مقوله‌ی جرم پول‌شویی بدین صورت بیان می‌کنیم: اولاً دو عنوان ضرر از مفردات قاعده‌ی لاضرر که معنای مختلفی برای آن ذکر کردیم به نظر می‌رسد که به وضوح پدیده‌ی پول‌شویی با قاعده انطباق دارد و غالباً هم ضرر در پول‌شویی از سنخ اضرار عمومی و جامعه است. ثانیاً از یک طرف با بررسی دقیق در دیدگاه‌های مختلف در مورد مفاد قاعده‌ی لاضرر، که ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام مذموم و غیرمشروع است؛ همان‌طور که بر اساس نظر مشهور ضرر و زیان نفی شده است. و از طرف دیگر با توجه به پدیده‌ی

۱- برای مطالعه‌ی بیش‌تر در مورد قاعده‌ی لاضرر به کتاب قواعد فقه بخش مدنی آقای دکتر محقق داماد صفحه ۱۳۱ رجوع کنید.

۲- ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۵۹؛ بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، ۲۲۳-۲۲۱، خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، ص ۳۸۲-۳۸۱؛ انصاری، مرتضی بن محمد، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۰.

پول‌شویی که دارای ضررهای فراوانی برای جامعه و نظام اسلامی دارد، به‌دست می‌آید که پول‌شویی به روشنی مشمول قاعده واقع می‌شود.

ثالثاً بر اساس نظریه‌ی امام خمینی^۱ در مورد مفاد قاعده‌ی لاضرر فهمیده می‌شود که در حکومت اسلامی هیچ‌کس نباید به دیگری ضرر بزند و در واقع هر جا ضرر برای نظام اسلامی و جامعه باشد؛ باید حکومت اسلامی با آن مقابله کند و ضرر را دفع کنید. بنابراین با توجه به ضررهای مخرب پدیده‌ی پول‌شویی که برای جامعه اسلامی دارد. (که قبلاً گفته شد)؛ وظیفه‌ی دولت است که با پول‌شویی مقابله و آن را جرم‌انگاری کند.

خلاصه به‌نظر می‌رسد با توجه به فلسفه‌ی جعل قاعده‌ی لاضرر که جهت جلوگیری از ضرر در حکومت اسلامی و حفظ نظام (اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، ...) جامعه می‌باشد و از طرف دیگر با نظر به پی‌آمدها و ضررهای منفی پدیده‌ی پول‌شویی، فهمیده می‌شود که باید پول‌شویی را جرم و با آن مبارزه شود.

۲-۳- قاعده‌ی حفظ نظام و مصالح جامعه

در مورد عدم مشروعیت و جرم‌انگاری پول‌شویی یا تطهیر پول، یکی از ادله‌ی اساسی حفظ نظام و مصالح عمومی است. ابتدا به بررسی خود قاعده یعنی کبری حکم می‌پردازیم. قاعده‌ی حفظ نظام مورد توجه و استناد شارع مقدس بوده است. از جمله استدلال امام صادق (ع) به این قاعده جهت اثبات اعتبار قاعده‌ی «ید» است. فردی از امام صادق (ع) می‌پرسد که آیا اگر من مالی را در دست شخصی دیدم، می‌توانم شهادت دهم که مال متعلق به اوست؟ امام در جواب گفت: بله. فرد گفت: شهادت می‌دهم که مال در دست اوست؛ ولی شهادت نمی‌دهم که مال متعلق به اوست؛ چون که ممکن است متعلق به دیگری باشد. امام (ع) از او پرسیدند: آیا خرید آن مال از او مجاز است؟ شخص در پاسخ گفت: بله. امام (ع) فرمود: شاید آن مال متعلق به دیگری باشد، چگونه خرید آن برای تو مجاز بوده و ملک تو می‌گردد و می‌گویی که متعلق به من است و بر این ادعای خود سوگند می‌خوری، در حالی که جایز نیست بگویی که فردی که تو از طریق او مالک این مال شدی، قبلاً مالک آن بوده است؟ سپس امام (ع) فرمود: اگر انتساب مال به کسی که آن را در اختیار دارد صحیح نباشد،

۱- ر.ک: خمینی، روح‌اله، تهذیب‌الاصول، ج ۳، ص ۱۱۵-۱۱۲.

بازار و دادوستدی برای مسلمانان شکل نخواهد گرفت. (وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه / ۲۱۵/۷). این حدیث به روشنی به قاعده‌ی حفظ نظام تأکید دارد. صاحب جواهر، وجوب نصب قاضی را مستند به جلوگیری از اختلال نظام می‌دانند. (جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام/ ۴۰۴/۲۱). همچنین در مورد مصلحت می‌نویسد: «از اخبار و سخنان فقیهان بلکه از ظاهر قرآن، فهمیده می‌شود که همه دادوستدها و معاملات و غیر آن برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم است یعنی آن‌چه از نظر عرف، مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریح شده است.» (جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام / ۳۴۴/۲۲).

بعضی از فقها حفظ نظام و مصالح مسلمین را فلسفه تشکیل حکومت می‌دانند. (کتاب‌البیوع/ ۴۶۱/۲). شیخ طوسی آغاز تصمیم حاکم اسلامی و فقیه را بر پایه‌ی مصلحت می‌داند. (المبسوط/ ۲۷۱/۳). بنابراین قاعده‌ی حفظ نظام بارها در بسیاری مسائل توسط فقیهان مورد استدلال و استناد واقع شده است.^۱ بنابراین با توضیحات گفته شده به دست می‌آید که حفظ نظام و مصالح عمومی مورد تأیید و به عنوان کبری ما ثابت و مسلم است. بدون شک هر چیزی که مخالف نظام و مصالح عمومی باشد، حکومت اسلامی باید برای حفظ نظام و مصالح عمومی با آن برخورد و مقابله کند.

تطبیق موضوع

در ارتباط با موضوع باید گفت اولاً درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم، درآمدهایی غیرمشروع و غیرقانونی هستند و باید به صاحبان آن‌ها برگردانده شود چراکه برخلاف نظم عمومی است و نتیجتاً تصرفاتی که در آن انجام می‌گیرد؛ چون برای گم کردن و مشروع و قانونی جلوه دادن منشأ نامشروع این درآمدها می‌باشد؛ لذا مخالف با نظم عمومی جامعه است. ثانیاً از آن‌جا که درآمدهای حاصل از جرم پس از گذر از چرخه‌ی پول‌شویی، دوباره برای ارتکاب جرائم جدید و مهم‌تری به کار گرفته می‌شود، و چنین فعالیت‌هایی از این حیث که مقدمه و مبنایی برای جرائم آتی تلقی می‌شوند؛ بنابراین برخلاف مصالح اجتماع و جامعه اسلامی می‌باشد و با نظامات و مقررات حکومتی مغایر می‌باشد. (جرائم سازمان یافته فراملی / ۴۶۱/۴). علاوه بر آن پول‌شویی موجب اختلال و بی‌ثباتی در بازارهای مالی و اختلال در نظام

۱- برای مطالعه‌ی بیش‌تر ر.ک: شیخ مفید، ۲۷۴؛ خویی، مبانی تکمله المنهاج، ۳۳۷/۱؛ خراسانی، ۳۵۴؛ حکیم، ۵۱/۱.

مالیاتی، تضعیف بخش خصوصی، بی‌عدالتی و همچنین خسارات قابل توجه اجتماعی و باعث فاسد کردن ساختار حکومت و امنیت کشور و بسیاری آثار و پی‌آمدهای دیگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، پول‌شویی موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... جامعه می‌شود.

مع‌الوصف، چون پدیده‌ی پول‌شویی موجب اختلال در نظام اقتصادی و امنیتی و غیره می‌شود و برخلاف نظم و مصالح عمومی است؛ لازم است که به منظور جلوگیری از اختلال در نظام و حفظ مصالح اجتماعی و به‌عنوان حکم ثانوی، با این پدیده مقابله شود و آن را جرم‌انگاری کرد و برای آن مجازات سختی در نظر گرفت؛ چراکه می‌توان گفت حفظ نظام و مصالح عمومی عقلاً واجب است و آنچه موجب اختلال می‌شود، باید با آن برخورد و مبارزه کرد.

۳-۳- اصل ضمان ید متعاقبه

یکی از ادله‌ای که به‌نظر می‌رسد موجب جرم‌انگاری پول‌شویی می‌شود، اصل ضمان ایادی متعاقبه است. اما لازم به ذکر است که این اصل تنها جنبه‌ی حقوقی یعنی ضمان و مسؤولیت مدنی و بعضی از اجزای جرم پول‌شویی را اثبات می‌کند. به تعبیر دیگر می‌توان از این اصل حکم وضعی یعنی ضمان این پدیده را کشف کرد.

اصل «ضمان ایادی متعاقبه» یعنی این که مال نامشروع و غیرقانونی به چند دست انتقال پیدا کند. به‌عنوان مثال اگر کسی مالی را سرقت کند و سپس آن شخص، آن مال را به شخص دیگر انتقال دهد و این شخص هم، مال را به شخص دیگر انتقال دهد و به همین ترتیب انتقال پیدا کند، در این صورت چون، مال، مال مسروقه می‌باشد، تمام عملیاتی که صورت می‌گیرد مشمول اصل ایادی متعاقبه قرار می‌گیرد و تمام این افراد ضامن هستند. به‌عبارت دیگر، این فعل و انفعالات و مبادلات سبب مالکیت نمی‌شود و همه‌ی آن‌ها باطل می‌باشد.

تطبیق موضوع

بعضی از اجزای جرم پول‌شویی انتقال، تملک و مبادله‌ی اموال ناشی از جرم می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که این عملیات پول‌شویی یعنی نقل و انتقالات و مبادلات، مشمول اصل ضمان ایادی متعاقبه قرار می‌گیرد، چراکه این عملیات بر روی اموال نامشروع و

غیرقانونی صورت می‌گیرد؛ همان‌طور که در اصل ایادی متعاقبه هم بحث از مجموعه‌ای از نقل و انتقالات و مبادلات بر روی اموال نامشروع مثل غصب یا سرقت و غیره می‌باشد. نتیجه، تمام این مبادلات و انتقالات پول‌شویان باطل و مشمول این اصل قرار می‌گیرد.

قلمرو مجازات پول‌شویی در فقه

با توجه به این که بر اساس آیات و روایات اثبات شد که پول‌شویی دارای حرمت و نوعی حرام‌خوری است؛ لذا به نظر می‌رسد بر اساس قاعده‌ی «التعزیر لکل عمل محرم» این جرم تعزیری است که به‌طور اجمال به این موضوع می‌پردازیم.

تعزیر در لغت به معنای تادیب است. (لسان العرب/۴/۵۶۲) و بعضی در تعریف تعزیر می‌گویند: «تعزیر آن مجازات یا نکوهشی است که از طرف شرع تعیین نشده است.» (مسالک الافهام، ۲/۴۲۳). اما نکته این که مقدار و نوع تعزیر در اختیار کیست؟ صاحب شرایع می‌نویسد: «هرکسی که کار حرامی انجام دهد یا واجبی را ترک کند؛ اما می‌بایست وی را به اندازه‌ای که به مقدار حد نرسد، تعزیر نماید. اندازه‌ی آن نیز براساس نظر امام است.» (جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام/۴۱/۴۴۸-۴۳۸). بعضی هم می‌نویسند: «هرکس با علم و عمدتاً کار حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند، حاکم برحسب آنچه مصلحت ببیند او را تعزیر می‌کند.» (مبانی تکمله المنهاج/۱/۳۳۷).

با نگاه در روایات هم به‌دست می‌آید که نوع و مقدار تعزیر بر عهده‌ی امام و والی است. (وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه/۱۸/۵۸۴-۴۷۲).

با توضیحاتی که گفته شد یک قاعده‌ی کلی تحت عنوان «التعزیر بما یراه الامام» به‌دست می‌آید و تعیین نوع و میزان مجازات بر عهده‌ی حاکم مسلمین است.

با ذکر این مقدمات، قلمرو مجازات تعزیری پول‌شویی بر اساس قاعده‌ی «التعزیر لکل عمل محرم» می‌باشد. این قاعده در زبان فقها شهرت داشته و بسیاری از فقهای شیعه این قاعده را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این قاعده هر چند مشهور در بین فقها است؛ ولی نص و دلیل روشن روایی بر آن وجود ندارد. (التعزیر/۱۳۹-۱۳۷). ولی در هر حال این قاعده مورد پذیرش اکثر فقها می‌باشد. بر اساس این قاعده فهمیده می‌شود هرکس کار حرامی انجام دهد و یا واجبی را ترک کند برای آن تعزیر باید در نظر گرفته شود.

با توضیحاتی که ذکر شد می‌توان بر اساس چیدن صغری و کبری، تعزیری بودن جرم پول‌شویی را بر اساس آیات و روایات به اثبات رساند.

- پول شویی بر اساس آیات و روایات، حرام است. (صغری).
 - کسی که عمل حرام انجام دهد، تعزیر می‌شود. (التعزیر لکل عمل محرم) (کبری).
 نتیجه: پول شویی یک جرم تعزیری است و در این صورت بر اساس قاعده‌ی (التعزیرُ بما یراه الامام) تعیین نوع و میزان آن بر عهده‌ی حاکم مسلمین است.

رابطه‌ی میان پول شویی و خمس مال حلال مخلوط به حرام

همان‌طور که قبلاً گفته شد، یکی از معانی واژه‌ی خارجی " Money Laundering" تطهیر پول می‌باشد، در این جا به نظر می‌رسد که میان تطهیر پول و خمس مال حلال مخلوط به حرام شباهت وجود دارد و شاید بتوان گفت اموال ناشی از جرائم را می‌توان به وسیله‌ی خمس تطهیر کرد. بنابراین شبهه‌ای میان پول شویی با خمس مال حلال مخلوط به حرام حاصل می‌شود. در این جا به بررسی اجمالی این شبهه می‌پردازیم. ابتدا به بررسی جداگانه هر یک می‌پردازیم و در پایان به شبهه پاسخ می‌دهیم.

تطهیر پول، عملیاتی است که بر روی درآمد حاصل از جرایم مقدم، به منظور مخفی و سرپوش گذاشتن صورت می‌گیرد، تا صورت و ظاهری قانونی پیدا کنند. بنابراین در تطهیر پول شخص مجرم، علم و آگاهی به حرمت و غیرقانونی بودن اصل درآمد دارد. و با علم و آگاهی و به قصد فرار از مجازات و رسیدن به اهداف خود، اقدام به تطهیر اموال می‌کند.

خمس مال حلال مخلوط به حرام، در مواردی بر شخص واجب می‌شود که شخص مکلف از مقدار مال حرامی که به مال حلال مخلوط شده، اطلاع ندارد. و شخص، صاحب آن مال حرام را نمی‌شناسد؛ چراکه اگر مالک مشخص باشد باید مال را به مالک بدهد و حق تصرف در آن را ندارد. و همچنین مال حرام از مال حلال قابل تشخیص و جدایی نباشد. بنابراین شخص مکلف برای رهایی از آن مال حرام، با دادن خمس، موجب تطهیر کردن مال خود می‌شود؛ به تعبیر دیگر، چون صاحب مال و مقدار مال حرام مشخص نیست، در این صورت شخص با خمس مال، اموالش تطهیر می‌شود. (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: تحریرالوسیله/۱/۳۶۳؛ منیه الطالب فی الشرح مکاسب/۱/۷۶؛ منهاج‌الصالحین/۱/۳۳۰-۳۲۹؛ منهاج‌الفقاهه/۲/۳۰۷).

رفع شبهه

با توضیحاتی که در مورد تطهیر پول و خمس مال حلال مخلوط به حرام گفته شد، به دست می‌آید که به هیچ وجه شباهتی بین این دو مقوله نیست؛ زیرا که در تطهیر پول، بحث از ارتکاب جرایم مقدم درآمد حاصل از آن جرایم حاصل می‌باشد و همچنین دارنده‌ی درآمد علم و آگاهی به حرام و نامشروع بودن این اموال دارد و به منظور فرار از مجازات و پی‌آمدهای قانونی آن اقدام به تطهیر می‌کند. حال آن‌که در بحث خمس، بحث از جرایم مقدم درآمد حاصل از آن نیست؛ بلکه در آن مقدار و صاحب مال مشخص نیست. و شخص با پرداخت خمس به دنبال پاک کردن و تطهیر واقعی اموال خود می‌باشد. نتیجه‌ای که در این مبحث به دست می‌آید این‌که، با توجه به عدم ارتباط بین پول‌شویی و خمس مال حلال مخلوط به حرام، اموال و درآمد ناشی از جرایم به وسیله‌ی خمس دادن قابل تطهیر و پاک شدن نیست.

تعارض جرم پول‌شویی با بعضی قواعد فقهی

در پایان به بعضی از قواعد فقهی که به نظر با جرم پول‌شویی تعارض دارد؛ به‌طور اجمال می‌پردازیم.

از جمله‌ی قواعدی که با جرم‌انگاری پول‌شویی به نظر تعارض دارد، قاعده‌ی ید است. بر اساس مفاد قاعده‌ی ید، کسی که مالی را در تصرف خود دارد، مالک آن شناخته می‌شود و تصرف، اماره مالکیت شخص می‌باشد. بر این اساس شخص می‌تواند هرگونه نقل و انتقال، معامله، خرید و فروش و عملیات دیگر بر آن انجام دهد؛ زیرا بر اساس این قاعده مالک آن مال می‌باشد. در پول‌شویی که نقل و انتقالات و مبادلات ناشی از جرایم مقدم (اولیه)، به عنوان جرم می‌باشد و عملیات مشکوک مورد تفحص و بررسی قرار می‌گیرد و مبادلات، تملکات و نقل و انتقالات دارایی‌ها از اجزای جرم پول‌شویی می‌باشد. در این صورت ملاحظه می‌شود که با قاعده‌ی ید در تعارض است و جرم‌انگاری این پدیده مورد چالش واقع می‌شود؛ چراکه بر اساس قاعده‌ی ید شخص که به عنوان متصرف و مالک مال است، حق هرگونه تصرف و انتفاع اعم از نقل و انتقال، تملک و غیره را دارد.

و اما دومین قاعده‌ی متعارض، قاعده‌ی صحت است. بر اساس مفاد قاعده صحت، کلیه‌ی معاملات، مبادلات، نقل و انتقالات و فعالیت‌های مالی اشخاص حمل بر صحت و مشروعیت آن‌ها می‌شود. بنابراین در هنگام شک و تردید در این مبادلات و نقل و انتقالات،

اشخاص از قاعده‌ی صحت برخوردار می‌باشند و کلیه‌ی معاملات آن‌ها محکوم به صحت است. و نمی‌توان به احتمال این‌که برخی از این مبادلات و نقل و انتقالات ناشی از فعالیت‌های مجرمان می‌باشد، اصل صحت را کنار گذاشت. به نظر بین این قاعده و پول‌شویی هم تعارض وجود دارد و جرم‌انگاری پول‌شویی زیر سؤال می‌رود؛ چراکه در پول‌شویی نقل و انتقالات، معاملات و مبادلات ناشی از فعالیت‌های مجرمانه به عنوان جرم قلم‌داد شده و موارد مشکوک عملیات نقل و انتقال، معاملات و جوه مورد تفحص واقع می‌شود. حال آن‌که بر اساس قاعده‌ی صحت در موقع شک به فساد و عدم فساد معاملات و نقل انتقالات، اصل صحت مقدم است و تمام فعل و انفعالات مردم مشروع است.

و اما قاعده‌ی سوم، قاعده‌ی تسلیط است. بر اساس این قاعده افراد بر اموال خود سلطه دارند و حق هرگونه تصرف مجاز و قانونی را دارند. بنابراین به‌موجب این، مالک می‌تواند هر نوع نقل و انتقال نسبت به وجوه خود داشته باشد؛ به حساب کسی در داخل یا خارج این وجوه را ارسال کند و هر نوع خرید و فروشی انجام دهد. بنابراین از حمایت این قاعده برخوردار می‌باشد. حال آن‌که در جرم پول‌شویی نقل و انتقالات و تملکات و مبادلات به‌عنوان اجزای جرم پول‌شویی قلم‌داد شده است.

با توجه به تعارضات گفته شده به‌نظر می‌آید که این تعارضات توان مقابله با جرم‌انگاری پول‌شویی را ندارند. و این تعارضات قابل رد و جواب هستند.

اولاً اگرچه این قواعد فقهی، جزء امارات هستند؛ ولی حجیت امارات تا وقتی است که ظن نوعی برخلاف آن نباشد. بنابراین می‌توان گفت وقتی اماره‌ی قوی برخلاف آن وجود داشته باشد، این قواعد کنار گذاشته می‌شوند.

ثانیاً با توجه به عوارض مخرب و زیان بار پول‌شویی، می‌توان بر اساس «قاعده‌ی لا ضرر» و «حفظ نظام و مصالح عمومی»، از قواعد گفته شده چشم‌پوشی کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه نگاشته شد نتایجی به‌شرح ذیل به‌دست می‌آید:

۱- اولاً با توجه به این‌که جرم پول‌شویی جرمی جدیدی است و نمی‌توان در فقه تعریفی برای آن پیدا کرد؛ اما در هر صورت مبانی فقهی روشنی نظیر آیات اکل مال به باطل، اکل سحت و روایاتی از جمله کلام حضرت علی(ع) و قواعد فقهی چون قاعده‌ی لاضرر و حفظ نظام، بر جرم‌انگاری این پدیده دلالت می‌کند. مجازات آن هم بر اساس

قاعده‌ی «التعزیر لکل عمل محرم»، تعزیر می‌باشد. ثانیاً قواعد فقهی همچون ید، صحت و تسلیط تعارض ظاهری با جرم پول‌شویی دارد چراکه این قواعد جزء امارات به‌شمار می‌روند و امارات هم با دلیل یا اماره‌ی قوی‌تر محکوم می‌شود و علاوه بر آن با توجه به عوارض زیان‌بار پول‌شویی، می‌توان بر اساس «قاعده‌ی لاضرر» و «قاعده‌ی حفظ نظام و مصالح عمومی»، از قواعد گفته شده چشم‌پوشی کرد و در موارد مشکوک به تحقیق و بررسی موضوع پرداخت.

۲- میان «تطهیر پول» و «خمس مال حلال مخلوط به حرام» هیچ وجه شباهتی نیست؛ چراکه در تطهیر پول، بحث از ارتکاب جرایم منشأ و درآمد حاصل از آن جرائم می‌باشد و همچنین دارنده‌ی درآمد علم و آگاهی به حرام و نامشروع بودن این اموال دارد و به‌منظور فرار از مجازات و پی‌آمدهای قانونی آن اقدام به تطهیر می‌کند. حال آن‌که در بحث خمس، بحث از جرائم منشأ و درآمد حاصل از آن نیست؛ بلکه شخص با پرداخت خمس به دنبال پاک و تطهیر کردن واقعی اموال خود می‌باشد.

منابع

- ۱- **قرآن کریم**، وحی الهی، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
- ۲- ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، ج ۱، التحقيق: محمد ابوالفضل ابراهیم، [بی‌جا]، دار احیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرّم، **لسان العرب**، ج ۱ و ۴، الطبعه الاولى، [بی‌جا]، دار احیاء التراث العربی، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ۴- اسعدی، سید حسن، **جرائم سازمان یافته فراملی**، چاپ اول، تهران، میزان، تابستان ۱۳۸۶.
- ۵- اسماعیلی، اسماعیل، **اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری (ره)**، کاوشی نو در فقه اسلامی (مجله فقه)، شماره‌ی اول، سال اول، پاییز ۱۳۷۳.
- ۶- انصاری، مرتضی، **فرائد الاصول (الرسائل)**، ج ۱، الطبعه الاولى، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- ۷- _____، **کتاب المکاسب**، ج ۵، الطبعه الاولى، قم: موسسه الباقری، ۱۴۲۰ ق.
- ۸- باقرزاده، احد، **پیامدهای پول‌شویی و راهبردهای کنترلی با رویکرد به اسناد بین‌المللی**، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، نشر وفاق، تهران، ۱۳۸۲.
- ۹- بجنوردی، حسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۱ و ۲، تحقیق: مهدی المهریزی - محمدحسین الدرایتی، الطبعه الاولى، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۰- بوریگان، ژاک، **بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه**، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۲-۲۱، زمستان ۱۳۷۶.

- ۱۱- جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، *مسالك الافهام*، ج ۲، الطبعة الاولى، قم، موسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۲- جزایری، مینا، *پول‌نویسی و موسسات مالی*، مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، سال دهم، بهار ۱۳۸۲.
- ۱۳- جصاص، احمد بن علی رازی، *احکام القرآن*، ج ۱، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۴- جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۳، چاپ اول، تهران، چاپخانه حیدری، خرداد ۱۳۵۸.
- ۱۵- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۷ و ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۶- حسینی روحانی، سید محمد صادق، *منهاج الفقاهه*، ج ۲، الطبعة الرابعة، [بی جا]، المطبعة یاران، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۷- حکیم، سید محسن، *مستمسک العروه الوثقی*، ج ۱، [بی جا]، مکتبه آیت الله العظمی النجفی المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۸- حیدری، علمبراد، *جرم انگاری پول‌نویسی*، فقه و حقوق، سال اول، تابستان ۱۳۸۳.
- ۱۹- خراسانی، محمدکاظم، *کفایه الاصول*، [بی جا]، موسسه آل‌البت للاحیاء التراث، بی تا.
- ۲۰- خمینی، (امام) روح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۱، قم، دارالکتاب العلمیه - اسماعیلیان، بی تا.
- ۲۱- _____، *تهذیب الاصول*، ج ۳، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۲- _____، *کتاب البیع*، ج ۲، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۳- خوانساری نجفی، موسی، *منیه الطالب فی شرح المکاسب*، ج ۱، الطبعة الاولى، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۴- خوبی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۱، قم، دارالهادی، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۵- _____، *مصباح الفقاهه*، ج ۲، الطبعة الثالثة، [بی جا]، وجدانی، ۱۳۷۱.
- ۲۶- _____، *منهاج الصالحین*، ج ۱، الطبعة الثامنة و العشرون، [بی جا]، مدینه العلم - آیه‌الله العظمی السید الخویی، ۱۴۱۰ق.
- ۲۷- دفتر بررسی‌های اقتصادی (گزارش کارشناسی آقایان دکتر فرهاد رهبر، غلامرضا زال‌پور، فضل‌الله میرزاوند)، *تعاریف، مفاهیم، آثار و پیامدهای پول‌نویسی*، مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۲.
- ۲۸- سلیمی، صادق، *جنایت سازمان یافته فراملی*، چاپ اول، تهران، صدرا، ۱۳۸۲.
- ۲۹- سیوری، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۱، التحقیق: سید محمد القاضی، الطبعة الاولى، [بی جا]، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه - موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ۳۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم، *سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکرد به اسناد بین‌المللی*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌نویسی، چاپ اول، نشر وفاق، تهران، ۱۳۸۲.

- ۳۱- صافی، لطف‌الله، *التعزیر (انواعه و ملحقاته)*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۳۲- صحرائیان، مهدی، *زیان‌های ناشی از تطهیر پول*، اولین کارگاه سراسری علمی - کاربردی قضات دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر، نشر آبی، سال ۱۳۸۱.
- ۳۳- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
- ۳۴- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج (۳ و ۲)، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۵- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، *جامع‌البیان عن تأویل ای القرآن*، ج ۲ و ۵، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۶- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع‌البحرین*، ج (۱ و ۲ و ۳)، التحقيق: محمد کاظم الطریحی، قم، انتشارات الزاهدی، بی‌تا.
- ۳۷- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، الطبعة الاولى، [بی‌جا]، مکتبه الاعلام الاسلامی، بی‌تا.
- ۳۸- _____، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۳، التحقيق: محمد تقی الکشفی، طهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
- ۳۹- فیض کاشانی، مولی محسن، *تفسیرالصافی*، ج ۱، التحقيق: الشیخ حسین الاعلمی، الطبعة الثانية، تهران، مکتبه الصدور، ۱۴۱۶ ق.
- ۴۰- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد بن احمد بن حیون، *دعائم الاسلام*، ج ۲، التحقيق: آصف بن علی اصغر فیضی، [بی‌جا]، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق.
- ۴۱- قرطبی، محمد بن احمد الانصاری، *الجامع لاحکام القرآن*، ج ۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۰۵ ق.
- ۴۲- قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *فقه القرآن*، ج ۲، تحقیق: سید احمد الحسینی، الطبعة الثانية، [بی‌جا]، مکتبه آیت‌الله العظمی النجفی المرعشی، ۱۴۰۵ ق.
- ۴۳- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۵، التحقيق: علی اکبر غفاری، الطبعة الثالثة، [بی‌جا]، دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- ۴۴- گرجی، ابوالقاسم، *آیات الاحکام (حقوقی - جزایی)*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۴۵- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه (بخش مدنی)*، ج ۱۸، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۴۶- محمودی، وحید، *پدیده پول‌شویی و راه‌های مبارزه با آن*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، نشر وفاق، تهران، ۱۳۸۲.
- ۴۷- مدیر شانه‌چی، کاظم، *آیات الأحکام*، ج ۶، تهران، انتشارات سمت، بهار ۱۳۸۵.
- ۴۸- مصطفوی، سید محمد کاظم، *القواعد منه قاعده فقهیه*، الطبعة الثالثة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۷ ق.

- ۴۹- مفید، محمد بن مفید، *المقنعه*، قم، جامعه المدرسين، ۱۴۱۰ ق.
- ۵۰- مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهه (کتاب البيع)*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ ق.
- ۵۱- _____، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، الطبعة الثالثة، [بی‌جا]، مدرسه الامام امیرالمؤمنین(ع)، ۱۴۱۱ ق.
- ۵۱- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *پیام امام*، ج ۱، چاپ اول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، پاییز ۱۳۷۵.
- ۵۲- _____، *تفسیر نمونه*، ج ۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه، اردیبهشت ۱۳۵۴.
- ۵۳- میرمحمد صادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، تهران، میزان، پاییز ۱۳۷۷.
- ۵۴- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۱ و ۲۲ و ۲۳، التحقیق: الشیخ عباس القوچانی، الطبعة التاسعة، [بی‌جا]، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- ۵۵- هادیان، ابراهیم، *پول شویی و اثرات اقتصادی آن*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش، بین‌المللی مبارزه با پول شویی، چاپ اول، نشر وفاق، سال ۱۳۸۲.
- 56-http://www.laundry Man.u- net. com- Billy steel. Money laundering. Page2 wism. Html